

تحلیل انتقادی تأثیر رویکرد مقاصدی دگراندیشانه بر تفسیر آیه تعدد زوجات؛ با تأکید بر دیدگاه طاهر حداد، نصر حامد ابوزید، محمد شحرور و آمنه ودود

کاوس روحی برندق^۱

بتول زمانی^۲

چکیده

مسئله اصلی پژوهش این است که اگرچه قرآن پژوهان سنتی با رویکرد مقاصدی سعی در استخراج احکام آیات قرآن تحت عنوان مقاصد الشریعه کرده‌اند، لکن این نگاه در میان دگراندیشانی مانند طاهر حداد، نصر حامد ابوزید، محمد شحرور و آمنه ودود، به سبب نگاه تاریخ‌مند به‌ویژه در برخی آیات الاحکام، از جمله آیات زنان، دچار تحول شده است. این پژوهش به روش تحلیلی - انتقادی با مروری بر شناخت رویکرد مقاصدی دگراندیشانه، تأثیر آن را بر دیدگاه‌های برخی دگراندیشان درباره تعدد زوجات مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد، دگراندیشان نام‌برده با پیش‌فرض تاریخ‌مندی و تلقی حقارت زن در اسلام و یکسان‌پنداری مقاصد الشریعه با مصلحت‌سنجی بشری، سعی در تفسیری نو با رویکرد عقلانی، بدون توجه به نص قرآنی آیه تعدد زوجات داشته‌اند. برخی از آنها به استناد ظاهر قرآن، تعدد زوجات را منحصر در زمان نزول دانسته‌اند و برخی این امر را در زمان حاضر، منوط به شرایط اضطرار می‌دانند. نتیجه اینکه در نقد این دیدگاه، با استناد به آیه ۳ و ۱۲۹ سوره نساء می‌توان گفت؛ تعدد زوجات، امری مباح است که با مراعات شرایط آن و جایگاه و حقوق زن، نظام تک‌همسری را به‌خطر نمی‌اندازد و به حقوق زن آسیبی نمی‌رساند و به‌عنوان راهکاری در مواجهه با برخی چالش‌های فردی و اجتماعی، مختص زمان نزول نیست؛ چراکه در دوران معاصر نیز مشکلاتی که به‌عنوان مصلحت احتمالی تشریح حکم اباحه تعدد زوجات وجود داشته، هنوز باقی است و با وجود مصلحت، حکم نیز باقی خواهد بود.

واژگان کلیدی: مقاصد الشریعه، دگراندیشان، تعدد زوجات، طاهر حداد، نصر حامد ابوزید، محمد شحرور، آمنه ودود.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ k.roohi@modares.ac.ir

۲. دانش پژوه سطح چهار حوزه علمیه رفیعه المصطفی (ع)، تهران، ایران؛ bzamani750@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۱۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۹/۳۱

۱. مقدمه

خداوند متعال در تشریح احکام اسلام، اهدافی را در نظر داشته است که از طریق قرآن، نصوص معتبر و عقل به دست می‌آید. توجه به ملاکات و علل وضع احکام و مصالح و مفاسد آن از منظر قانونگذار اسلام، عدم منافات آن مقاصد و علل احکام با روح کلی شریعت اسلام را به دنبال دارد. مقاصد شریعت به معنای «اهداف خداوند از تشریح مقررات اعتباری و عملی در دین اسلام» است و قانونگذار اسلام، علاوه بر هدف‌های کلی و کلان که در تقنین و تشریح مجموعه احکام اسلام دارد، از تشریح هر حکم خاص نیز هدف مشخصی را دنبال می‌کند. اهداف کلان را «مقاصد شریعت» و اهداف خرد را «علل الشرایع» نامیده‌اند (علیدوست، ۱۴۰۱، ص ۶۹ و ۷۵). خداوند در قرآن ذیل آیاتی به این مهم تأکید می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَآفَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (سبا: ۲۸). قرآن با توجه به نیازهای موجود، انسان‌ها را مورد خطاب قرار داده و اهدافی را به دنبال داشته است. بی‌شک یکی از نیازهای انسان به اقتضای غریزی که خداوند در وجود او نهاده و در مسیر بندگی، یاری‌رسان او خواهد بود، نیاز به تشکیل خانواده است که ثمره آن حفظ نسل است. شارع مقدس با توجه به کارکردی که خانواده در ایجاد نظم انسانی متعادل و معقول دارد، به حفظ خانواده بالذات و بالتبع، موضوعیت داده و دستوراتی را برای ارکان مستقر در آن ارائه کرده است. از جمله آیاتی که به مسئله خانواده و همسر پرداخته، آیه ۳ سوره نساء است که به مسئله تعدد زوجات اشاره کرده و به عنوان یکی از احکام امضایی اسلام، به اصلاح آن می‌پردازد. سنت چندهمسری یا تعدد زوجات، از احکامی است که در میان ملل مختلف و نیز ادیان پیش از اسلام وجود داشته است و حد و مرزی برای آن نبود و اغلب مردان بیش از چهار زن اختیار می‌کردند (بالیسانی، ۱۴۰۶، ص ۴۰۴ و باجوری، ۱۹۸۶، ج ۱، ص ۲۴۱). با ظهور اسلام، خداوند با ارسال آیاتی، به ایجاد محدودیت برای آن پرداخت؛ لکن دورویکرد عمده و متفاوت نسبت به این حکم الهی در میان متفکران اسلامی مشاهده می‌شود: رویکردی که به اباحه تعدد زوجات قائل است (رازی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۰۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۶۸ و جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۲۸۸). برخی قرآن‌پژوهان نیز حکم جواز تعدد زوجات را تنها رخصتی از جانب شریعت می‌دانند و تشویق افراد به این عمل را جایز نمی‌شمارند؛ بلکه معتقدند با مشروط شدن این عمل به اجرای عدالت در قرآن، اشخاص باید در صورت بیم از عدم اجرای عدالت، از تعدد زوجات برحذر باشند (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۸۲).

در مقابل این دیدگاه، رویکردی از سوی دگراندیشان مطرح می‌شود؛ مانند محمد شحرور (۲۰۰۰، ص ۳۰۳)، نصر حامد ابوزید، (۱۳۹۷، ص ۱۹۰)، مهریزی (۱۳۸۲، ص ۴۷۷)، طاهرحداد (۲۰۱۱، ص ۴۸-۴۹) و فاطمه مرنیسی (۱۳۸۰، ص ۴۱-۳۸). صاحبان این رویکرد، ضرورت تغییر در نگرش به مسائل زنان، به‌ویژه در مسئله تعدد زوجات را لازم دانسته‌اند و با توجه به مقاصد شریعت و همچنین شعار برابری زن و مرد، تعدد زوجات را محدود به شرایطی خاص به عنوان راهکار مناسب، جایگزین حکم ثابت و جاودانی قرآن می‌دانند. مقاصدی‌ها با وجود تنوعی که در عرصه پذیرش ضرورت توجه به «مقاصد» دارند، بدان استناد کرده‌اند که این «مقاصد»، از راه دلایل چهارگانه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) ثابت شده است و به همین دلیل، هر استنباط متناقض با آنها را باید رد کرد. برخی از صاحبان اندیشه مقاصدی، طبقه‌بندی نوینی از سطوح مقاصد شریعت ارائه می‌دهند که عبارت‌اند از: مقاصد کلی (عام)، مقاصد خاصه و مقاصد جزئی. مقاصد کلی یا عام، اهدافی است که شارع آنها را در همه یا بیشتر تشریحات خود در نظر داشته است؛ به‌گونه‌ای که اختصاص به نوع خاصی از احکام شریعت ندارد؛ مانند مقصد حفظ نظام یا ایجاد مساوات (زحیلی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۰۲۸). مقاصد خاصه، شامل مقاصدی است که شارع مقدس برای هر یک از ابواب احکام منظور داشته است، که از آن جمله می‌توان به مقصد سکونت، درباره نکاح یا دفع ضرر مستمر درباره طلاق اشاره کرد. مقاصد جزئی شامل اهداف و مصالحی است که شارع در هر یک از احکام شرع به طور جزئی و انفرادی در نظر داشته است؛ مانند مصلحت حفظ عرض و آبرو که در حکم قصاص آمده است (همان، ص ۱۱۴۳). بنابراین، میان اهداف دو واژه مصلحت و مفسده، رابطه تنگاتنگی است و براین اساس، مقاصد شریعت، همان جلب مصلحت و دفع مفسده است؛ یعنی دین برای جلب مصلحت بندگان و دور کردن مفسده از ایشان در دنیا و آخرت آمده است. از آنجا که به سبب اهمیت موضوع، آیات فراوانی به بحث خانواده و احکام آن پرداخته‌اند، اندیشمندان در اهداف و مقاصد شریعت و تبعیت از احکام، مصالح و دفع مفاسد آن، تحقیق و بررسی نموده و به دنبال کشف اغراض شارع در احکام ناظر به خانواده هستند؛ چراکه تحقق مقاصد خانواده و احکام زوجین، تأمین‌کننده مقاصد عام و کلی شریعت خواهد بود. مقصد حفظ نسل (بقره: ۲۲۳) که یکی از مقاصد ضروری است، در پرتو حفظ مصالح و نفی مفاسد خانواده است.^۱ تحقق

۱. در شرایط عادی، برای یک فرد مذکر سالم، یک همسر برای اطفای قوای جنسی او کافی است، اما اگر همسر او بیمار و یا عذر دیگری داشته باشد، این نیز برای تعدد زوجات، مصلحت‌آور است؛ ولی هیچ‌کدام از این مصالح، مصلحت تبعیدی فقه سنتی را اثبات نمی‌کند.

این مقصد، موجب حفظ دین، قدرت امت و عامل اقتدار جامعه خواهد شد. سکون و آرامش در پرتو خانواده، یکی دیگر از مقاصد تشکیل خانواده است که در آیه ۲۱ سوره روم به آن اشاره شده است. نگاه مقاصدی به هریک از این آیات و به کار بستن آن در استنباط احکام، استحکام خانواده و شفاف سازی مسائل مربوط به آن، از جمله چندهمسری را به دنبال دارد. درحقیقت، مقصد حفظ نسل و سکون و آرامش، مورد نظر است. حال اگر حفظ نسل با همسر اول حاصل نشد، همسر دوم یا بعد از آن لازم می آید؛ حتی در برخی موارد، مصلحت با بقای نام و سلسله است که باید فرزند، ذکور باشد. بدون تردید، تعدد زوجات از جمله مسائلی است که خداوند اجرای آن را با شرایط و دلایلی مطرح کرده که متضمن بقای خانواده و به تبع آن، جامعه است و قاعده «تبعیت احکام از مصالح و مفاسد»^۱ «الواجبات الشرعیه الطاف فی واجبات العقلیه»^۲ و «لزوم مصلحت در تشریح»^۳ از آن پشتیبانی می کند. درحقیقت اصول احکام اسلام، بر دو اصل حفظ مصالح و دفع مفاسد بنا شده است و اگرچه در برخی احکام عبادی قابل درک نباشد، ولی در احکام غیرعبادی که به آداب اجتماعی، معاملات و جنایات مربوط است، قابل فهم از سوی عقل است و برتری شرایع آسمانی بر حقوق وضع شده از سوی انسان ها مشهود است. عالم بودن خداوند به احوال موجودات اقتضا دارد که اوامر و نواهی را باتوجه به مصالح و مفاسدی تشریح کند که عقل آن را درک می کند. سرانجام، مسئله مطرح پژوهش این است که رویکرد مقاصدی دگراندیشانه در تعدد زوجات، تا چه اندازه با مقاصد قرآنی مطابقت دارد و با چه چالش هایی مواجه است؟

۱. باوجود اعتقاد مشهور عدلیه به تبعیت احکام از مصالح و مفاسد، در اینکه آیا مصلحت در «نفس جعل احکام» یا در «متعلق» آن است، اختلاف وجود دارد. مشهور عدلیه بر این باورند که همه احکام، تابع مصالح و مفاسد واقعی اند و مصلحت در متعلق احکام است. در مقابل، برخی بر این باورند همان طور که بخشی از احکام، تابع مصلحت واقعی و مصلحت در متعلق احکام است، برخی دیگر از احکام نیز مصلحت در نفس تشریح است (علیدوست، ۱۴۰، ص ۱۴۷-۱۷۵).
۲. شیخ انصاری و محقق خراسانی منظور از لطف را مصلحت تلقی کرده اند که در عبارات محقق خراسانی، لطف و مصلحت با عطف تفسیری تکرار شده است. واجبات شرعیه الطاف بود در واجبات عقلیه؛ یعنی این مصالحی که در واجبات شرعیه می آید، مورد پسند عقل است و عقل آن را الزاماً قبول دارد. یک مصطلح کلامی است. خواجه طوسی در کتاب تجرید الاعتقاد (ص ۳۰۳) این مطلب را بیان کرده است در جهت اینکه عقل، مصلحت شرعی را درک می کند (درس خارج اصول استاد سیدکاظم مصطفوی، ۱۴۰/۰۸/۰۲).
۳. در بعد تشریح، بنا بر مشهور میان متکلمان و اصولیان شیعه، همه احکام الهی مبتنی بر مصالح نهفته در ذات آن است (علیدوست، ۱۴۰، ص ۱۴۷-۱۷۵). هر منفعت ضروری که بر اعتبار یا عدم اعتبار آن، دلیل شرعی و نص خاصی وجود ندارد و در جهت مقاصد شارع (حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال بندگان) باشد، مصلحت است و چنین مصلحتی یکی از منابع فقه اهل سنت و منشأ صدور حکم است (خسروپناه، ۱۳۷۸، ص ۲۱۲-۲۱۴).

۲. پیشینه

پیش‌ازاین، تألیفاتی در این زمینه صورت گرفته است که ضمن پرداختن به مقاصد الشریعه، در زمینه چندهمسری نیز نظریه پردازی کرده‌اند؛ از جمله مقالات «چالش چندهمسری در گفتمان فکری مدرن؛ بررسی خوانش‌های عصری از آیه ۳ سوره نساء» (سید محمود طیب حسینی، محمد حسن شیرزاد و محمد حسین شیرزاد، نشریه مطالعات قرآنی، ۱۴۰۱)؛ «مقایسه دیدگاه شهید مطهری و علامه طباطبایی در مورد فلسفه و شرایط تعدد زوجات» (الهه هادیان رسناتی، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ۱۳۹۸ ش)؛ «مصلحت و نقش آن در قبض و بسط احکام فقهی تعدد زوجات» (سعید گراغانی و دیگران، نشریه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۱۴۰۰) و «بررسی تطبیقی فلسفه تعدد زوجات از نگاه علمای معاصر و مستشرقان» (راضیه اسلامی و باقر حسینی، نشریه پژوهش‌ها و مطالعات اسلامی، ۱۴۰۳).

این پژوهش‌ها یا در بیان علّت تعدد زوجات در اسلام از نگاه مفسران و مقایسه نظرات آنها تلاش داشته یا به برداشت‌های جدید از آیات ناظر بر تعدد زوجات پرداخته‌اند؛ لکن به دیدگاه مقاصدی و تأثیر آن بر روی آرای اندیشمندان نپرداخته‌اند. این نوشتار، ضمن معرفی دیدگاه مقاصدی، به تأثیر آن بر مسئله تعدد زوجات در میان برخی دگراندیشان و نقد دیدگاه آنها خواهد پرداخت.

۳. روش‌شناسی پژوهش

روش اتخاذشده در این جستار، در زمینه گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و در استناد به داده‌ها، اسناد مکتوب و در تجزیه و تحلیل مطالب، تحلیلی - انتقادی است.

۴. یافته‌ها و بحث

۴-۱. تبیین مفاهیم و مبانی نظری تحقیق

۴-۱-۱. مفهوم مقاصد الشریعه

واژه ترکیبی مقاصد شریعت، در مفاهیم مختلف کاربرد دارد که به تبع مفهوم «شریعت»، دارای سه کاربرد است: اهداف خداوند از دین، که مجموعه ادیان را دربرمی‌گیرد. «اهداف خداوند از دین اسلام» که بر مجموعه دین اسلام اطلاق شده است و «اهداف خداوند از تشریح مقررات اعتباری و عملی در دین اسلام»، که معنای سوم را به مقاصد الشریعه نزدیک‌تر می‌دانند (علیدوست، ۱۴۰۱، ص ۶۹). احکام شرعی، تابع مصالح و مفاسدی است که از قبل در متعلق آن احکام وجود دارد؛ نظیر

مصلحتی که در اقامه نماز و روزه، رد امانت، انجام معامله بدون جهل و خطر و مفسده‌ای که در خیانت به امانت، قمار و شرب مسکرات است (همان، ص ۱۴۸). علال فاسی در تعریف مقاصد شریعت چنین بیان می‌کند: «مراد از مقاصد شریعت، اهداف، نتایج و اسراری است که شارع برای هریک از احکام وضع نموده است» (فاسی، ۱۹۷۹، ص ۳). همچنین در شرح مقاصد آورده‌اند: «مقاصد شریعت، همان معانی و اهدافی است که توسط شرع در تمامی احکام یا قسمت عمده احکام لحاظ شده است، یا همان نهایت و غایت شریعت و اسراری است که شارع برای هر حکمی از احکامش وضع کرده است» (زحیلی، ۱۴۰۶، ص ۱۰۱۷). باین حال، بین مقاصد با اسرار و علل، تفاوت وجود دارد و نباید بین اهداف با آثار و نیز بین فلسفه احکام به معنای اسرار، خلط شود.

از نظر ابن عاشور، مقاصد عمومی شریعت، معناها و حکمت‌هایی است که شارع در همه یا اکثر احوال قانونگذاری‌های خود در نظر گرفته است؛ چنان‌که به نوع خاصی از احکام وابسته نیست. براین اساس، مقاصد خاص شریعت، کیفیت‌هایی هستند که برای مقاصد منفعت بخش مردم در نظر گرفته شده است (ابن عاشور، ۱۴۲۵، ص ۲۵۱-۲۵۲).

در تعریف علم مقاصد آورده‌اند: «علم مقاصد شرعی، علمی است که در پیوند با تشریح قرار دارد و از اهداف کلی یا هدف‌های مورد توجه آن در عموم یا انواع بسیاری از این احکام سخن می‌گوید» (تسخیری، ۱۴۳۰، ص ۳۴۸). اساس قاعده مقاصدی، گزاره‌ای است که بیانگر یک معنای عام و مستفاد از ادله شرعی مختلف است که اراده شارع به انجام آن از طریق احکامی که برای آن تشریح کرده، تعلق گرفته است (کیلانی، ۲۰۰۰، ص ۵۵). بدین ترتیب می‌توان قاعده مقاصدی را این‌گونه تعریف نمود: بیان حکمتی است که شارع از تشریح حکم دارد. به عبارت دیگر، قاعده مقاصدی، حکمت و غایت حکم شرعی است (همان، ص ۶۸). بر اساس آنچه گفته شد، مقاصد الشریعه همان اهدافی است که خداوند در تشریح مقررات و احکام دینی قرار داده است که سعادت انسان را در پی دارد.

۲-۱-۴. دیدگاه مقاصد الشریعه‌ای مبتنی بر حفظ مصالح و نفی مفسد در گذر تاریخ

یکی از نظریه‌های مطرح در فلسفه فقه و حقوق اسلامی، مقاصد الشریعه است که با تأکید بر هدفمندی شریعت، به نظارت بر مصالح و مفسد می‌پردازد. نصوص و متون معتبر دینی و عقل سلیم، بر هدفمند بودن شریعت^۱ اسلام دلالت دارند. قرآن کریم در آیات بسیاری نه تنها برای کلیت

۱. احکامی که خداوند برای بندگان مقرر فرموده یا اذن تشریح آن را به دیگران داده است.

ارسال رسل و انزال کتب، نتایج و اهدافی را برمی‌شمارد (بقره: ۱۲۹، ۱۵۱ و ۲۱۳؛ آل عمران: ۱۶۴؛ اعراف: ۱۵۷؛ انفال: ۲۴؛ حدید: ۹ و ۲۵ و جمعه: ۲)؛ بلکه گاهی برای احکام جزئی و خرد نیز غرض یا اغراض خاصی را بیان می‌کند (بقره: ۱۸۳؛ مائده: ۹۷؛ توبه: ۱۰۳ و عنکبوت: ۴۵) که احادیث فراوانی نیز بر این اصل تأکید دارند (نهج البلاغه، خطبه اول، ص ۳۳-۳۴ و خطبه ۱۸۹، ص ۶۴۰ و محمدی ری شهری، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۴۲۹-۱۴۳۰، احادیث ۹۲۶۳-۹۲۶۸). و کتاب‌هایی همچون *علل الشرایع*، اثبات علل، مقاصد الشریعه و... به نگارش درآمد. جوینی (م ۴۷۸ ق) نیز به این مسئله اشاره صریح نموده است (جوینی، ۱۴۱۸ ق، ص ۹۲۳). از دیگر پیشگامان مشهور مقاصدی، غزالی (۵۰۵ هـ ق) است که در کتاب خود، *المستصفی* (۱۴۱۳ ق) به این رویکرد پرداخته است. بعد از آن، شاطبی در قرن هشتم (م ۷۹۰ ق) با روشی اصولی و تدوین اثری با نام *الموافقات فی اصول الشریعه* (۱۴۱۷ ق)، پایه‌های این علم را استوار نمود. همچنین قرافی (م ۶۸۶ ق)، از فقیهان مالکی، کتاب *الفروق* (۱۴۲۱ ق) را در همین زمینه و پیش از شاطبی نوشته است. شاطبی، از فقیهان پیش از خود، بسیار آموخته و بسیاری بر آن اندوخته است و به سبب بسط آن، به امام المقاصد نام گرفته است. کسی که به این دانش، بُعد علمی و مُدوّن داد، *الشاطبی* در کتاب *الموافقات فی أصول الشریعة* بود. این علم، قبل از آن زمان تا دوره اخیر، چندان مورد توجه قرار نگرفته بود تا اینکه در اوایل قرن بیستم میلادی، سران نهضت اصلاح‌گرایانه تونس، یعنی کسانی همچون شیخ طاهر بن عاشور تونسی به تعمق در آن پرداختند و از آن زمان، تألیف و تدوین نوشته‌های دیگری در این موضوع آغاز شد (ر.ک: مهریزی، ۱۴۲۶، ص ۱۲۹). در این میان، شیخ محمد عبده (م ۱۳۲۳ ق)، اندیشمند بزرگ مصری، در سفر به تونس در سال ۱۸۸۴ م از وجود کتاب *الموافقات فی أصول الشریعة* آگاه شد و در بازگشت به مصر، به ترویج ایده‌های مطرح شده در آن پرداخت.

۲-۴. مقاصد الشریعه در نگاه دگراندیشان

نکته‌ای که از تحقیق و مقایسه در آثار این دسته دگراندیشان به دست می‌آید این است که اگرچه آنها خود را از قائلین به مقاصد الشریعه دانسته‌اند و علم اصول فقه را ناکارآمد می‌دانند و مقاصد الشریعه را به عنوان بهترین گزینه برای جایگزینی با اصول فقه مطرح می‌کنند، لکن به علت عبور از متون و اصول فقهی و حتی فراتر از آن، انحراف از معنای اصلی مقاصد مورد نظر شاطبی، تفسیری نو به دست آوردند که با سنت مقاصدی فاصله دارد. این طیف از دگراندیشان،

برای شکل، قالب و ظاهر عبادات، مثل نماز، روزه و حج اصالتی قائل نیستند و جوهر و روح مقاصد دین، یعنی بردباری و ایثار و... را اصل می‌دانند. این در حالی است که مقاصدگرایانی همچون شاطبی که دگراندیشان تلاش می‌کنند به تعریف دلخواه خود از شخصیت او بپردازند، با وجود نقدهای فراوان بر متن‌گرایی افراطی اصولیان قبل از خود، هیچ‌گاه در پی متزلزل ساختن بنیان احکام فقهی شرع نبوده است. لکن دگراندیشان جدید، منتقد اسلام فقاهتی و نوع نگاه آنان به متون دینی هستند (ر.ک: طعان، ۱۴۲۸، ص ۳۸۳).

عدم آشنایی با اصول مقاصدی، از ویژگی‌های این گروه است. با جهل به قوانین و ضوابط مقاصد الشریعه نمی‌توان قائل به مقاصد الشریعه شد. قائل به مقاصد الشریعه باید ملتزم به قوانین آن باشد. اگر آنها نظام مقاصدی را مراعات می‌کردند، با تطورات باطل، از قواعد آن خارج نمی‌شدند و به دین خدا نسبت بیپه‌وده نمی‌دادند. به عنوان مثال، اگر نصر حامد ابوزید ضوابط مقاصد را می‌دانست، با انحراف از اصول مقاصدی، قائل به تساوی زن با مرد در ارث نمی‌شد (ر.ک: ابوزید، ۱۳۹۷، ص ۲۲۳-۲۲۵). درحالی‌که زن در جاهلیت، از ارث محروم بود و چیزی به او داده نمی‌شد، اسلام به او نصف ارث مرد عطا کرد و این است آنچه که از ظاهر و معنی آیات فهمیده می‌شود (ر.ک: طعان، ۱۴۲۸، ص ۴۰۶-۴۰۷). شاطبی می‌گوید: سکوت شارع از امری با وجود انگیزه کلام، بر قصد شارع از توقف و قبول دلالت می‌کند؛ زیرا شارع، قرینه یا اشاره یا دلالتی که مفید اصل مطلب باشد را ترک نمی‌کند (ر.ک: شاطبی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۶۸۱-۶۸۲). اگر محمد شحرور می‌دانست از مقاصد اصلی شرع، حفظ آبروست و حفظ فروج، که از مقاصد تابع آن است و زن را حفظ می‌کند و او را می‌پوشاند، این‌گونه نظر نمی‌داد که جایز است زن عریان خارج شود، مگر به جهت پوشاندن زشتی‌هایش (شحرور، ۱۹۹۰، ص ۶۰۶-۶۰۷). شاطبی بارها بر این نکته تأکید می‌کند که عقل، تابع نقل است و می‌گوید اگر عقل و نقل در مسائل شرعی کنار هم قرار گرفتند، شرط است که نقل مقدم شود و عقل تابعیت کند و متأخر باشد (شاطبی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۶). او اصل مسلم را از طریق وحی می‌داند و در اعتصام می‌نویسد: اصل مستقل آن است که از طریق وحی باشد و عقل تابع اوست (ر.ک: همان، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۵۰).

۱-۲-۴. تفاوت رویکرد مقاصد الشریعه سنتی با رویکرد مقاصدی دگراندیشانه

وجوه مشترک اکثر دگراندیشان در این مسئله، بازتاب التقاط تفکرات و دیدگاه‌های آنان نسبت به آموزه‌های دینی و انحراف به سمت تئوری سکولاریسم و فمینیسم و تمایل به جریان‌های

نوگرا است. درحالی که برخی از فائیلین به دیدگاه مقاصدی، اعم از متقدمان و متأخران معتقدند نگرش مقاصدی به پشتوانه احکام شرعی که در نحوه استنباط بسیار مؤثر هستند، در چگونگی عملیات فقهی لازم‌اند و آن را از ضرورت‌های کنونی باتوجه به بحران‌های عصری می‌دانند؛ ولی دگراندیشان هرچند سعی دارند که با صبغه مقاصدی، به تفکرات خود رنگ دینی بدهند، اما به علت گرایش مدرنیته و سویه سکولاریسم، درنهایت، به تفکرات منهای دین بیشتر نزدیک می‌شوند. درحقیقت، اشتراک این دو گروه در مقاصدی بودن، «اشتراک لفظی» است و تفاوت ماهوی دارند تا جایی که مقاصد را از معنای اصلی آن دور کرده‌اند.

۴-۳. انواع دیدگاه‌های دگراندیشان مقاصدی به تعدد زوجات

دگراندیشان اسلامی معاصر، به دنبال کشف مقاصد و مصالح در آیاتی که حکم تعدد زوجات را در پی دارد، به نظرات مختلفی دست یافته‌اند؛ ازجمله:

۴-۳-۱. جواز تعدد زوجات در صورت ضرورت

گروهی مانند محمد عبده و قاسم امین، به جواز نسبی تعدد زوجات قائل‌اند؛ یعنی در زمان ضرورت، مانند بیماری یا نازا بودن همسر، تعدد زوجات مجاز است (عبده و رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۴، ص ۲۸۶ و قاسم امین، ۲۵۱۲، ص ۳۴۳). عبده با بیان ادله برون دینی معتقد است که تعدد زوجات، تنها در هنگام ضرورت جایز است و فساد تعدد زوجات را بیش از مصلحت آن می‌داند (عبده و رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۴۹ و همان، ۱۹۹۰، ج ۲، ص ۷۲ و ۸۳). او معتقد است به دلیل آنکه شرط چندهمسری، حصول اطمینان از رعایت عدالت است و افراد، قطعاً فاقد این شرط هستند و همچنین مردان در صورت داشتن چند همسر، غالباً با آنان بدرفتاری و آنان را از حق نفقه و رفاه محروم می‌کنند؛ لذا حاکم و متولی امر دین می‌تواند برای دفع فساد غالب، چندهمسری را ممنوع کند. همچنین به این دلیل که تعدد مادران، منشأ دشمنی و فساد میان فرزندان است، حکم تعدد زوجات، العاقدیر است (همان، ۱۹۹۰، ج ۲، ص ۸۵-۸۴ و ۹۵-۹۲). محمد عبده می‌گوید: «اگر در یک زمان، چیزی تالی فاسدی داشت که قبلاً نداشت، بدون شک، حکم باید تغییر داده شود و با وضعیت کنونی منطبق گردد؛ یعنی به مقتضای دفع مفساد، مقدم بر جلب منافع عمل شود» (همان، ج ۲، ص ۸۳ و ۵، ص ۱۶۹-۱۷۰). او معتقد است: به طور کلی جز به اقتضای ضرورتی که نزد قاضی ثابت شود، می‌توان مردان را از چندهمسری بازداشت. این مسئله ابداً منع دینی ندارد و تنها مانع آن، رسم و رسوم است (همان).

۲-۳-۴. تعدد زوجات؛ راهکار مشکلات اجتماعی

برخی مانند سید قطب، چندهمسری را در جایی که مشکلی از جامعه برطرف کند جایز می‌دانند. او چندهمسری را تأمین‌کننده وضعیت مطلوب و آرمانی در نظام خانواده نمی‌داند؛ بلکه آن را راهکاری قانونی برای حل برخی مشکلات اجتماعی و خانوادگی معرفی می‌کند (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۸). درحقیقت سید قطب راهکار تعدد زوجات را تنها برای حل مشکلات اجتماعی و خانوادگی می‌داند؛ لکن محمد عبده و امثال قاسم امین، راهکار تعدد زوجات را برای مشکلات فردی و ضرورت‌هایی مانند بیماری همسر و... می‌دانند و بنابراین شمولیت بیشتری دارد.

۳-۳-۴. تعدد زوجات؛ مخصوص مادران ایتام

برخی، تعدد زوجات را ازدواج با مادران ایتام می‌دانند. برداشت متمایز محمد شحرور از مفهوم عدالت در آیه، باتوجه به سیاق آیات بیان شده است. به همین دلیل وی حکم ازدواج مجدد را با زنان بیوه‌ای می‌داند که دارای فرزند یتیم می‌باشند؛ هرچند در ابتدای آیه، سخن از عدالت می‌تواند اثر زیادی در مقصود و مراد آیه که همان عدالت است بگذارد (شحرور، ۲۰۰۰، ص ۲۰۵). او همچنین آیه ۱۲۷ سوره نساء را به عنوان مؤیدی بر مدعای خود معرفی می‌کند و مراد از «یتامی النساء» را در این آیه، مادران ایتام معرفی می‌کند. همچنین برداشتن حکم اعطای مهریه به زنان سرپرست ایتام را به منظور رغبت بیشتر مردان برای ازدواج با آنان بیان نموده است (همان، ص ۲۰۵).

۴-۳-۴. تاریخی بودن آیه تعدد زوجات و نسخ آن

دسته دیگری مانند طاهر حداد و ابوزید قائل به منع هستند. صاحبان این نظریه، تدریجی بودن نزول احکام و نسخ آیات را نه تنها مهم‌ترین دلیل بر امکان نسخ دائمی بعضی احکام مانند تعدد زوجات می‌شمارند، بلکه آن را ضروری می‌دانند. طاهر حداد معتقد است که شریعت اسلام بر اساس آنچه که به مرور زمان اتفاق افتاده، طی بیست سال با احکام و نصوص مندرج قرآن شکل گرفته است و احکام و نصوص وارده در آیات دیگر نسخ شدند. وی راه باقی ماندن اسلام برای نسل‌های بعدی را تغییر و تبدیل همیشگی احکام می‌داند. همچنین در کنار استناد به نسخ همیشگی احکام، تعارض تعدد زوجات با اصل عدالت را دلیلی بر این نسخ می‌داند (طاهر حداد، ۲۰۱۱، ص ۶۲ و ابوزید، ۱۳۹۷، ص ۱۸۸-۱۹۲).

ابوزید مسئله تعدد زوجات را مسئله تاریخی می‌داند؛ زیرا سوره نساء که به مسائل زنان،

از جمله مسئله تعدد زوجات می‌پردازد، در سال چهارم هجری و پس از جنگ احد نازل شده است. نتیجه آن جنگ، وجود تعداد زیادی یتیم و زنان بیوه بود که برای حل این مشکل، تعدد زوجات امری ضروری بود. بنابراین، موضوع تعدد زوجات، امری دائمی نیست؛ بلکه یک قانون موقت برای علاج مشکلات پیش آمده آن روز بوده است. او معتقد است که تأویلات فقها از این مقیاس‌ها موجب سیطره مرد بر زن شده است. ابوزید بافت نزول آیه را صرفاً جهت برطرف کردن وضعیت اضطراری می‌داند و صیغه شرط در آن نیز اجازه چندهمسری را به بیمناک بودن از اجرای عدالت پیوند می‌زند و چندهمسری را دارای تبعات بسیاری برای زن می‌داند (ابوزید، ۱۳۹۷، ص ۱۸۸-۱۹۲).

۴-۳-۵. دیدگاه برخی دگراندیشان درباره تعدد زوجات و نقد آن

از میان نگاه مقاصدی دگراندیشان به تعدد زوجات، می‌توان به مبانی دیدگاه آنها پی برد که قابل ارزیابی است. در ادامه، با تمرکز بر این موضوع، به بیان نظرات چند دگراندیش می‌پردازیم که در مسئله تعدد زوجات، از افراد شاخص به شمار می‌آیند:

۴-۳-۵-۱. طاهر الحداد

از نگاه طاهر الحداد، اسلام می‌خواسته است تعدد زوجات را ممنوع کند و در اولین گام، آن را محدود کرده است؛ چه اینکه اگر اسلام اساس ازدواج را مودت و رحمت و سکون درون همسران با هم قرار داده است، پس تعذر تقسیم این احساس و آثار آن را بر زندگی زناشویی درک می‌کند. در نتیجه اگر مرد احساس کند که همسرش فقط به او محبت دارد و زن نیز در مقابل، همین احساس را داشته باشد، امنیت و اطمینان بر فضای خانواده غالب خواهد بود (حداد، ۲۸۱، ص ۶۲-۶۳). در نگاه او، عدالت در زندگی زناشویی، آن‌گونه که برخی فقها مطرح می‌کنند، فقط ناظر به حالت‌های بیرونی و عینی نیست؛ بلکه اساس خانواده را که مودت و سکون و رحمت است شامل می‌شود و اینها نیز چون قابل تقسیم نیستند، ذات ازدواج با تعدد زوجات هم‌خوانی ندارد.

یکی از محققان معاصر شیعه با بیان اینکه ایرادها و شبهاتی در پذیرش تعدد زوجات مطرح شده، بر آن است که نمی‌توان ضرورت‌های اجتماعی و جواز آن توسط شرع را نادیده گرفت، ولی با رعایت شرایط تجویز چند زنی و چگونگی اجرای آن توسط حکومت‌های دینی، می‌توان در عمل، از سوءاستفاده مردان جلوگیری کرد. او در حوزه تعدد زوجات اعتقاد دارد که سه شرط، مجوز تعدد زوجات است: رعایت عدالت مادی میان همسران، توان اداره زندگی که عقل و عقلا بر آن اتفاق نظر

دارند و وجود مصالح عقلایی که از حکمت تشریح می‌توان به دست آورد (مهریزی، ۱۳۸۲، ص ۴۸۶). با این حال، وی در ادامه اظهار می‌دارد به نظر بعید است که فردی بتواند این شرایط را لحاظ کند. با اینکه عدالت، شرطی برای تسهیل در ازدواج است، لکن در کتب فقهی از آن نام برده نشده است و نظارتی هم از مجریان قانون بر آن نیست. همچنین شرط نازایی و یائسگی و نیز فرزونی زنان آماده ازدواج که می‌تواند مجوز تعدد زوجات باشد، جایی در فقه و حقوق ندارد و این یعنی شرط عدالت، قانون‌مند نیست و در دایره حکم، از فلسفه و علت آن، توسعه‌ای صورت نگرفته است (ر.ک: همان، ص ۴۷۷).

۲-۵-۳-۴. نصر حامد ابوزید

ابوزید نیز معتقد است: «تأویل فقهی، این قواعد و قوانین را از بافت برابری خواهانه خارج کرده و از نو در بافت سیطره و استیلای مردان و قبضه کردن سرنوشت زنان بازنشانده است» (ابوزید، ۱۳۹۷، ص ۱۸۸-۱۸۹). ابوزید ادامه آیه را نیز این طور معنا می‌کند: عبارت «مَا طَابَ لَكُمْ» در آیه ۳ سوره نساء به این معناست که زن باید خودش مایل به ازدواج باشد و اجباری در کار نیست. این عبارت، به حفظ حرمت، شأن انسانی، احساسات و عواطف زن اشاره دارد. همچنین عبارت «فَإِنْ حَفَّتْ اللَّائِي تَعْدِلُوا» به معنای عدم رعایت عدالت میان فرزندان مرد و یتیمان همسر دوم است. بنابراین، بی‌توجهی فقها به عدم رعایت عدالت بین زنان درست نیست؛ زیرا سیاق آیه حکایت از آن دارد که این عبارت، درباره عدم رعایت عدالت میان یتیمان است (همان، ص ۲۵۷-۲۵۸).

برخی معنی عدالت را توسعه داده‌اند مبنی بر اینکه «سبب نزول این آیه، بیان این آگاهی به مسلمانان است که همان طور که نسبت به مراعات حقوق ایتم و عدالت درباره آنها محتاطانه عمل می‌کنید، نسبت به همسرانتان نیز چنین دغدغه‌ای داشته باشید» (واحدی، ۱۴۱۱، ص ۱۴۷).

۳-۵-۳-۴. محمد شحرور

محمد شحرور باتکیه بر مبانی خاص خویش، همچون قواعد زبان‌شناسی و نظریه حدود، خوانشی متفاوت از مسئله تعدد زوجات و قوامیت ارائه کرده است. او تعدد زوجات را از احکام ثانویه دین می‌داند که محور آن، حمایت عاطفی و رعایت عدالت در حق یتیمان است و نباید دستاویزی برای لذت‌جویی مرد باشد. از نگاه شحرور، مرد متأهل، تنها با رعایت دو شرط نسبتاً دشوار، حق ازدواج مجدد دارد: نخست اینکه همسر دوم، سوم و چهارم باید بیوه صاحب فرزند

باشند و دوم آنکه عدالت در حق یتیمان رعایت شود. در چنین شرایطی خداوند نه تنها اجازه چندهمسری داده، بلکه لحن آیه هم درباره این موضوع، آمرانه است. درواقع، اگر این دو شرط برقرار نباشد، تعدد زوجات مجاز نخواهد بود.

شحرور معتقد است فقها در بحث از عدالت، تنها به رعایت عدالت در روابط زناشویی اشاره کرده‌اند؛ درحالی‌که بی‌عدالتی در توانایی مالی و انصاف باید مد نظر باشد. با این بی‌توجهی، مردان را بدون داشتن توان کافی، به ازدواج بعدی ترغیب می‌کنند و موجب رشد فقر، بی‌عدالتی و بی‌انصافی می‌شوند. آنها در پی فهم دین، متناسب با مقتضیات زمان و رفع معضلات فکر تقلیدی در موضوعات فلسفی، کلامی، فقهی و اخلاقی‌اند تا با قرائتی انسانی از دین، انقلابی معرفتی ایجاد کنند؛ درحالی‌که مسائل نوپدید در هر زمانی، متناسب با موضوعات آن عصر، بستری برای اجتهاد مبتنی بر عقلانیت هستند. درواقع آنچه موجب اتحاد و ثبوت در اصل اجتهاد می‌شود، وجود اصول ثابت در شریعت است که باوجود تغییر در موضوعات، همچنان قواعد و قوانین معتبر شرعی هستند (شحرور، ۲۰۰۰، ص ۳۵۹).

۴-۵-۳-۴. آمنه و دود

آمنه و دود، یکی دیگر از دگران‌دیشان فمینیست مسلمان، معتقد است که اگر امروزه برخی ملت‌های مسلمان، تعدد زوجات را امری نامشروع می‌دانند، باتوجه به نظر عمومی قرآن است. عصر نزول، ازدواج سلطه‌جویانه بر اساس نیاز زنان به تأمین مالی از جانب مردان بوده است. آیه سوم سوره نساء، درباره رفتار عادلانه با ایتام است که قیم‌های مرد که مسئول اموال یتیمان بودند به عدالت رفتار نمی‌کردند و راه حل را ازدواج با دختران یتیم می‌دانستند و با این راه حل، هم تعدد زوجات را محدود به چهار می‌کند و هم مسئولیت تأمین اقتصادی همسر و دستیابی به اموال یتیم را از طریق اداره آن به مرد می‌سپارد. او تأکید می‌کند این آیه، درباره عدالت است: رفتار عادلانه، اداره اموال به طور عادلانه، عدالت درباره یتیمان و عدالت درباره همسران و نظایر اینها (دود، ۱۳۹۳، ص ۱۴۶-۱۴۹).

این برداشتِ حقارت از حکم تعدد زوجات در قرآن، موجب شده است فمینیست‌های مسلمان، همچون آمنه و دود، برای فرار از این تلقی به استناد آیه «وَلَوْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ آلَكُمْ وَتَسْتَحِبُّونَ آلَكُمْ فَتَزَوَّجُوا بَنَاتِكُمْ فِي حُكْمِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (نساء: ۱۲۹)، تک‌همسری را گزینه ترجیح‌داده شده ازدواج در قرآن بدانند؛ چراکه اگر شوهر یا

پدر، متعلق به بیش از یک خانواده باشد، دستیابی به ایدئال قرآنی «آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها هستید» (بقره: ۱۸۷) یا «برقراری عشق و مهربانی میان آنها» (روم: ۲۱) در روابط دوجانبه ممکن نیست.

آمنه و دود سعی در بالا بردن منزلت زن از طریق انکار توجیهات متداول (اقتصادی، نازا بودن زنان، ارضای غریزه مردان) برای تعدد زوجات داشته است و برای سه توجیه متداول، تأیید صریحی از قرآن قائل نیست. وی در ردّ توجیه اقتصادی می‌گوید: در شرایط مشکلات اقتصادی مانند بیکاری، مردی که توانایی مالی دارد، باید از چند همسر مراقبت کند که این نیز به معنای این است که اولاً زنان به لحاظ مالی سربارند. یعنی تولیدمثل‌کننده هستند، اما تولیدکننده نیستند؛ ولی در دنیای امروز شاهدیم بسیاری از زنان، نیاز مالی به مردان ندارند. ثانیاً تنها مردان در هر شرایطی می‌توانند کار کنند یا تولیدکننده هستند. در نتیجه، تعدد زوجات نمی‌تواند راه حل خوبی برای مشکلات اقتصادی باشد. او برای توجیه نازا بودن زنان، تصریحی در قرآن قائل نیست و راه حل آن را سرپرستی کودکانی می‌داند که به هر دلیل، از داشتن والدین محروم‌اند. در نهایت، درباره توجیه سوم معتقد است علاوه بر اینکه تأیید قرآنی ندارد، آشکارا غیرقرآنی است؛ چراکه سعی دارد شهوت افسارگسیخته مردان را تأیید کند (ودود، ۱۳۹۳، ص ۱۴۶-۱۴۹).

۴-۴. بحث و تحلیل

رویکرد مقاصدی دگراندیشان که توأم با نگاه تاریخ‌مندی به آیات است، آسیب‌ها و آثاری به دنبال دارد که مسئله تعدد زوجات را متأثر از خود نموده است. این آسیب‌ها عبارت‌اند از:

۴-۴-۱. نگاه هرمنوتیکی به احکام مبتنی بر نظریه مرگ مؤلف

از آنجا که دگراندیشان، مصالحی را که برای تعدد زوجات قائل هستند بر مبنای هرمنوتیکی، یعنی «مرگ مؤلف» است، عملاً دستیابی به نظر شارع را ناممکن می‌سازد و تنها با مصالح انسان‌ها تفسیر می‌شود؛ درحالی‌که مقاصدگرایان همواره وابسته به متن بوده و به نظر شارع توجه داشته‌اند. بر همین اساس شاهد هستیم شحرور اصرار بر شرط ازدواج با مادران ایتم را از حکم تجویزی به حکم آمرانه تبدیل می‌کند. شحرور معتقد است باتوجه به سیاق آیات، ازدواج دوم تنها با زنی صحیح است که بیوه و صاحب فرزند باشد. به نظر شحرور، تلقی‌ای که امروزه از این آیه وجود دارد متأثر از نگاه فقها است و مفسران از سیاق آیه دور افتاده‌اند. مفسر باید نگاه موشکافانه داشته باشد

و بتواند رابطه سببی میان یتیمان و تعدد زوجات را درک کند و بداند مجوز تعدد زوجات، بی دلیل و تنها برای ارضای نیازهای انسانی صادر نشده، بلکه هدفی داشته است. به همین دلیل، در ادامه آیه سوم اشاره می‌کند که در صورت عدم توانایی در رعایت عدالت، تنها به ازدواج با یک زن اکتفا کنید. نظر شحرور در مورد آیه مذکور، درباره یتیمان است که باعث شده است توجیهاات برای جواز تعدد زوجات که او آنها را دستاویزی بیش نمی‌داند رد شود (شحرور، ۲۰۰۰، ص ۳۰۴).

در دلیل اول شحرور، اگرچه نقش سیاق در فهم این آیه پذیرفته شده است، اما موجب منحصر بودن حکم ازدواج به همسران بیوه نمی‌شود و نهایت دلالت آن، کلیت ارتباط این آیه با مسئله عدالت نسبت به حقوق ایتم است و نه بیشتر و با توجه به اسباب نزول متعددی که در مورد این آیه وارد شده است، هیچ‌کدام دلالت بر انحصار نداشتند. برخی از دگراندیشان مانند آرکون معتقدند ابوزید مدرن شدن را در قطع از اسلام و قداست‌زدایی از اسلام می‌بیند (آرکون، ۱۳۹۰، ص ۱۸۲)؛ لذا حکم تعدد زوجات در نزد ابوزید منسوخ شده است. تفکرات فراتر از متن دگراندیشان، متضاد با مقاصدگرایانی است که به روح آیات و وحیانی بودن آن توجه بیشتری دارند. از این رو هرچند برخی از مصالح آنها پذیرفتنی است، ولی منحصر کردن به این مصالح، مخالف جامعیت قرآن است و چه بسا مقاصدی در نظر شارع باشد که فقهای مقاصدی به آن دست نیافته باشند و وسعت و ضیق دادن به این حکم در نزد طرف‌داران مقاصدی، خود گواه بر این است که هنوز به مقصد نهایی این حکم الهی دست نیافتیم. هرچند توجه به ویژگی‌های زن و مرد در نظام حقوقی آنها و حکمت عدالت محور الهی در تفاوت بین زن و مرد، شناخت مقاصد شریعت در این باره را سهل‌تر خواهد کرد.

اسلام نظامی است که ویژگی‌های آفرینش انسان و پاکیزه بودن جامعه را پاس می‌دارد و اجازه نمی‌دهد که برنامه‌ای دنیانگر ارائه شود که در برابر دشواری‌ها و پیامدهای آن، ارزش‌های اخلاقی فروریزد و سلامت جامعه به خطر افتد؛ بلکه همواره در پی راه و رسمی است که صیانت اخلاقی و سلامت جامعه را با کمترین کوشش فرد و جامعه تحقق بخشد. اگر این ویژگی بنیادین نظام اسلامی را در نظر داشته باشیم، نگرش ما به مسئله تعدد زوجات به گونه دیگری خواهد بود (معرفت، ۱۳۸۸، ص ۱۸۶). دیدگاه دگراندیشان به تدریج از مقاصد شریعت بر اثر آسیب‌های فکری فاصله گرفت و گاهی مشاهده می‌شود که مقابل آن است؛ لذا می‌بینیم که برخی مثل ابوزید قائل به نسخ آیه تعدد زوجات است و معتقد است این یک حکم موقت است.

۲-۴-۴. نگاه تاریخ‌مندان به احکام حقوقی اسلام

یکی از ریشه‌های دیدگاه دگراندیشان در این باب، نگاه تاریخ‌مند به قرآن است. آنها معتقدند که سبب نزول آیه، بعد از جنگ احد و تعداد بالای شهدای آن و در نتیجه، بی‌سرپرست شدن عده‌ای از زنان و کودکان است و کاربرد آیه منحصر به همان زمان است. ابوزید در کتاب مفهوم النص، قرآن را بازتاب فرهنگ زمانه معرفی می‌کند. از نگاه او، الفاظ قرآن کریم متأثر از فرهنگ عصر نزول و رابطه قرآن و فرهنگ زمانه، رابطه دیالکتیک و دوسویه است و این به معنای تأثیر و تأثر از هر دو طرف است (ر.ک: ابوزید، ۱۳۸۳، ص ۱۴۱-۱۴۳).

این در حالی است که آموزه‌های قرآنی، برای همه مسائل بشر، به ارائه راهکاری که متوجه نوع انسان در هر زمانی است پرداخته تا هنگام نیاز، تنها ملجأ او قرآن باشد. آیات قرآن به جهان‌شمولی و زمان‌شمولی احکام دلالت دارد و یک حکم خاص یا سبب نزول خاص را نمی‌توان به همان مورد اختصاص داد. قاعده «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص مورد» که قرآن را جاری در زمان می‌داند، از قواعدی است که تاریخ‌مندی قرآن را نقض می‌کند.

از همین روی، رویکرد سنتی مانند علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۵۸) و فخر رازی (۱۴۲۰، ج ۹، ص ۴۷۸) با استناد به این آیات، تعدد زوجات را تا چهار همسر، مطلقاً جایز می‌دانند و معتقدند عدالت که در این آیه شرط شده است، در صورت عدم رعایت، مخل و بازدارنده از حکم نیست. از دیدگاه علامه طباطبایی، این حکم مباح است و بستگی به مصلحت و وضعیت شخص دارد. براین اساس، اگر فرد دارای شرایط تعدد زوجات باشد، می‌تواند اقدام به تعدد زوجات کند. صاحب‌المیزان یادآور می‌شود: «حکم تعدد زوجات، یک تصمیم و حکمی است دائمی که به منظور تأمین مصالح عمومی تشریح شده است؛ نظیر تصمیم یک فرد به اینکه تعدد زوجات را به خاطر مصلحتی که برای شخص او دارد ترک کند که اگر او به خاطر آن مصلحت، چند همسر نگیرد، حکم خدا را تغییر نداده و نخواستہ است با این عمل خود بگوید تعدد زوجات را قبول ندارم؛ بلکه خواسته است بگوید این حکم، حکمی است مباح و من می‌توانم به آن عمل نکنم» (همان، ص ۱۵۹). این دیدگاه باتوجه به اهداف متعالی خداوند، قابل سرایت به همه اعصار و امصار است.

شهید مطهری باتوجه به مبنای حق تاهل به عنوان حق طبیعی بشری، و واقعیت فزونی نسبی تعداد زنان آماده ازدواج بر مردان، نتیجه می‌گیرد که اگر تک‌همسری، تنها صورت قانونی

ازدواج باشد، عملاً گروه زیادی از زنان، از حق طبیعی انسانی خود (حق تأهل) محروم می‌مانند و تنها با قانون تجویز تعدد زوجات - البته با شرایط خاصی که دارد - این حق طبیعی احیا می‌شود (مطهری، ۱۳۹۱، ص ۷۴). اهداف متعالی شریعت حکم می‌کند عدالت بر جامعه حکم فرما باشد، اجرای عدالت نیاز به احیای حق دارد و حق هر انسان با توجه به استعداد ذاتی اوست که خداوند در نهاد او قرار داده است. مثلاً استعداد یادگیری علم داده که مبنای یادگیری علم در انسان است، استعداد غریزه جنسی که حق ازدواج و فرزندآوری را ایجاد کرده است و البته این استعداد، ایجاد تکلیف و مسئولیت می‌کند. تأهل از طبیعی‌ترین حقوق بشری است و هیچ بشری را نمی‌توان از آن محروم کرد (همان، ص ۶۵).

۳-۴-۴. موقتی بودن حکم

بر مبنای تاریخ‌مندی، احکام دین متعلق به زمان نزول است و اگر بخواهد قرآن پویا و زنده باشد، باید احکام آن را ثابت نپنداشت. در نتیجه، احکام بعد از زمان خود ملغی می‌شوند. از نظر شحرور، در مسئله تعدد زوجات باید به بافت تاریخی نزول احکام و اثر پیشرفت در جوامع توجه کرد و آن حکم را امری ابدی ندانست. او با چنین رویکردی، در راستای برابر کردن احکام زن و مرد و توجه به گرایش‌های حقوق بشری امروزه که به نفی جواز تعدد زوجات منجر شده، قرآن را تفسیر کرده و آیه را وسیله‌ای برای اثبات نظریه خود قرار داده است.

۴-۴-۴. بشری بودن وحی و سنت نبوی

بشری بودن وحی به این معناست که الفاظ آن توسط پیامبر اکرم ﷺ تهیه و تنظیم شده است. دگراندیشان معتقدند اگرچه مبدأ قرآن کریم وحی است، ولی پیامبر ﷺ آن را با کلام خود عرضه فرموده است. در نتیجه ممکن است آیات از دیدگاه شخصی پیامبر و به مقتضای نیاز زمان باشد. براین اساس چنانچه مقاصد قرآنی، با تعدد زوجات همخوانی نداشته باشد و مثلاً به عدالت رفتار نشود یا آرامش خانواده به هم بخورد و...، پس قابل تغییر است. این دیدگاه، اعتبار وحی را دچار خدشه می‌کند.

از آنجاکه شحرور بافت وحی را در ارتباط وثیق با وقایع و حوادث زمان نزول دانسته است و آن را پاسخی به واقعیت‌های عینی زمان نزول در نظر می‌گیرد، در صورت فقدان چنین واقعیتی یا تحقق آن به شکل دیگر، محتوای قرآن نیز به همان میزان تغییر می‌کرد. یکی از اندیشمندان

معاصر در پاسخ چنین نگرشی می نویسد: «لازمه چنین باوری، عدم دسترسی به وحی خالص است؛ بلکه فقط دسترسی به معرفت بشری از منابع وحی را امکان پذیر می داند. یعنی یک وحی تاریخی که فهم خود ماست و نه وحی خالص. در این حالت، پیش فرض های ما، بر فهم قرآن تأثیر داشته و آنچه از دین در اختیار داریم، فهم بشری تاریخی، نسبی، محدود و خطاپذیر است» (عرب صالحی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۵-۳۰).

از نظر ابوزید نیز از آنجا که قرآن، متنی بشری است، باید با استفاده از روش های بشری درصدد فهم آن برآییم تا بدین ترتیب پویایی متن حفظ شود؛ درحالی که با اعتقاد به وحیانی بودن الفاظ قرآن - که در جای خود ثابت شده است - اعجاز بیانی و تحدی قرآن معنا می یابد و پویایی متن قرآن با همین الفاظ وحیانی جلوه گر می شود.

همچنین شحرور بر این باور است که به دلیل ختم نبوت پیامبر اکرم ﷺ، رسالت ایشان باید برای همیشه و در همه جا کاربرد داشته باشد و اصولاً چنین چیزی ممکن نیست، مگر اینکه عناصر رسالت ایشان متغیر بوده تا بتواند پاسخ گوی نیاز هر عصری باشد (شحرور، ۱۹۹۰، ص ۴۴۶). نتیجه این اندیشه، چیزی جز قداست زدایی از وحی نیست؛ جز اینکه کلام وحی به سبب اینکه بشری است پس باید برای فهم آن، از فهم بشری استمداد گرفت. تأثیر این مبانی بر مقاصد الشریعه و دگراندیشان مقاصدی نمایان است؛ چراکه انتظار تغییر در آن دارند.

۴-۴-۵. کشف مصالح، تنها از طریق عقل

دگراندیشان با قول به تاریخ مندی آیات، توهم اصلاح آن را توسط انسان دارند؛ یعنی معتقدند باتوجه به شرایط حاضر می توان احکام فقهی حقوقی را به دست خود، اصلاح و به روز کرد.

۴-۴-۶. نادیده گرفتن جایگاه زن و نقد آن

در دیدگاه ابوزید، آنچه باعث اشتباه در امر تعدد زوجات شده این است که این مسئله، پیش از اسلام به صورت یک عرف و عادت درآمده بود، به گونه ای که این عرف از هیچ معیاری پیروی نمی کرد؛ اما بعد از اسلام درحالی که اسلام می خواست با چنین عادت هایی مبارزه کند و آن را با ضوابطی مشخص وارد کند، تأویل های فقهی، این معیارها و ضوابط را از مسیر اصلی شان خارج کردند و آنها را با ذهنیت های مردان تطابق دادند. روشن است که تعدد زوجات، حقارت شدید زن را در پی دارد (ابوزید، ۱۳۹۷، ص ۱۸۸-۱۹۰).

مارگوت بدران، از فمینیست‌های معاصر، در مورد تعدد زوجات می‌نویسد: «اسلام با رواج تعدد زوجات، جایگاه زن در اجتماع را به چالش کشانده و این امر سبب شده است بیشترین توجه و حاکمیت را برای مرد قرار دهد که در نهایت موجب نابرابری میان حقوق زن و مرد شده است» (بدران، ۱۳۹۵، ص ۴). بدران، جایگاه زنان در غرب را برتر دانسته و معتقد است: «در کشورهای غربی، سیاست تک‌همسری، حکم فرماست؛ به نوعی که اجرای این طرح، برابری حقوق زن و مرد را در جوامع غرب متذکر می‌شود» (همان، ص ۵).

با اینکه آموزه‌های قرآنی، نشان از بالا بردن جایگاه زن دارد و تاریخ نشان می‌دهد که قبل از اسلام، جایگاه زن در چه مرتبه‌ای بوده است، ولی آنها با این پیش‌فرض، داعیه احقاق حق زن دارند. دگراندیشان به سبب عدم آشنایی با وجوه فراوان معارف قرآنی، و عدم توجه به حکمت‌های الهی، در مقابل چالش بیگانگان تلاش می‌کنند برداشت خود را بدون توجه به مبانی وحی بیاورند. رویکرد قائلین به منع تعدد زوجات، اعتقاد به تاریخ‌مندی متون است که بر موقتی بودن و در مواجهه با اوضاع زمان پدید آمده است و قهراً وقتی فهم، تاریخ‌مند و تابع پیش‌فرض‌های شخصی باشد که آنها نیز متغیر و تاریخ‌مند است، بدیهی است که نسبی و تابع اوضاع می‌شود.

دیدگاه دگراندیشان فمینیست نیز که پافشاری بر حقوق زنان به صورت پیرنگ‌تری در آن جلوه می‌کند، با آموزه‌های قرآن هم‌خوانی ندارد. در پاسخ عقیده بدران باید بیان نمود وجود قانون تعدد زوجات در اسلام نه تنها نظام تک‌همسری را به خطر نینداخته است؛ بلکه هوس مردان را کنترل می‌کند. اگر اسلام، ازدواج مجدد را در صورت بروز هر معضل در زندگی مشترک، پیش‌روی او قرار داده، به این علت است که کمتر رو به سوی معشوقه‌گرایی و رواج آسیب‌های اجتماعی بروند. در اینکه اصل اولی در ازدواج، تک‌همسری است، تردیدی نیست؛ زیرا آرمان خانواده، وحدت و یگانگی در رابطه زناشویی است. به عبارتی تعدد زوجات، ناشی از یک مشکل اجتماعی است، نه طبیعت ذاتی مرد، که البته تساوی نسبی زن و مرد در نظام تکوین، این مطلب را تأیید می‌کند. همچنان که شاهدیم همان جامعه‌ای که او به رخ می‌کشد، چگونه آلوده به انواع فسادها گردیده و همچنان در حال غرق شدن است.

۵. نتیجه‌گیری

از مجموع دیدگاه‌های دگراندیشان که سعی در مقاصدی جلوه دادن نظرات خویش هستند، این نتایج به دست می‌آید:

الف) دگراندیشان با نگاه تاریخ‌مندی به آیات تعدد زوجات، مقاصد شریعت را به مصلحت‌سنجی‌های امروزی بشر گره زده‌اند و نگاه اسلام به زن را تحقیرآمیز می‌دانند.

ب) برخی از آنها به استناد ظاهر قرآن، تعدد زوجات را منحصر در زمان نزول دانسته‌اند و برخی این امر را در زمان حاضر، منوط به شرایط اضطرار می‌دانند.

ج) دگراندیشان فمینیست به سبب غفلت از مبانی و حیاتی تلاش دارند تعدد زوجات را باتوجه به مسائل اجتماعی، هر طور که پسند جامعه امروزی باشد، تفسیر کنند. این روش درنهایت منجر به ارائه دیدگاهی فاصله‌دار با مبانی دینی است.

د) مقاصدی که دگراندیشان، از آیات تعدد زوجات استخراج می‌کنند، با چالش جدی روبه‌رو است؛ چراکه این حکم، نص صریح قرآن است و بی‌تردید مقاصد و مصالح تحسینی را به دنبال دارد. در این میان، هرچند که بشر به تمام زوایای آن دست نیافته، ولی بسیاری از مقاصد مطرح‌شده در بیان دگراندیشان، حتی با روح حاکم بر شریعت نیز در تناقض است.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه، فیض الاسلام، علینقی (۱۳۷۱ق)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الاسلام.

الف) فارسی

۱. ابوزید، نصر حامد (۱۳۹۷ش)، دوائر الخوف، ترجمه: ادریس امینی، تهران: نشر نگاه معاصر.
۲. _____ (۱۳۸۳ش)، مفهوم النص، ترجمه: حسن یوسفی اشکوری، محمد جواهرکلام، تهران، نشر یادآوران.
۳. آرکون، محمد (۱۳۹۰ش)، قرائتی بر مبنای علوم انسانی، ترجمه: عبدالقادر سواری، تهران: نسل آفتاب.
۴. بدران، مارگوت (۱۳۹۵ش)، فمینیسم و قرآن در دایره المعارف قرآن، ترجمه: حسین خندق آبادی و همکاران، تهران: حکمت.
۵. تسخیری، محمد علی (۱۴۳۰ق)، من الظواهر العامه فی الاسلام، تهران: مجمع تقریب مذاهب.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، تسنیم، قم: اسراء.
۷. خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۷۸ش)، «جایگاه مصلحت در حکومت ولایی»، چاپ شده در مجموعه مقالات امام خمینی و حکومت اسلامی، احکام حکومتی و مصلحت، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۸. علیدوست، ابوالقاسم (۱۴۰۱ش)، فقه و مصلحت، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. مرنیسی، فاطمه (۱۳۸۰ش)، زنان پرده نشین و نخبگان جوشن پوش، ترجمه: ملیحه مغازه‌ای، چاپ اول، تهران: نشر نی.
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۹۱ش)، حقوق زن و مرد از دیدگاه اسلام؛ ازدواج موقت و تعدد زوجات، قم: نشر صدرا.
۱۱. مهریزی، مهدی (۱۳۸۲ش)، شخصیت و حقوق زنان در اسلام، قم: مؤسسه انتشارات علمی فرهنگی.
۱۲. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۸ش)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۱۳. مصطفوی، سید کاظم (۱۴۰۱ش)، درس خارج اصول، <https://mhzrt.ir/Feqh/Archive/Mostafavi/Osool>
۱۴. ودود، آمنه (۱۳۹۳ش)، قرآن و زن؛ بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن، ترجمه: اعظم پویا و معصومه آگاهی، تهران: نشر حکمت.

ب) عربی

۱. ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد (۱۴۲۵ق)، مقاصد الشریعه الاسلامیه، قطر: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیه.
۲. باجوری، جمال محمد فقی رسول (۱۹۸۶م)، المرأة فی الفكر الاسلامی، موصول: مدیریت دار الکتب.
۳. بالیسانی، احمد محمد (۱۴۰۶ق)، نظره الی المرأة و الرجل فی الاسلام، بغداد: مطبعة العانی.
۴. جوینی، امام الحرمین عبدالملک بن عبدالله بن یوسف (۱۴۱۸ق)، البرهان فی اصول الفقه، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. زحیلی، وهبه (۱۴۰۶ق)، اصول الفقه الاسلامی، دمشق: دار الفکر.
۶. سید قطب، ابراهیم حسین الشاربی (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت، قاهره: دار الشروق.

٧. شاطبي، ابراهيم بن موسى (١٤١٧ق)، الموافقات في اصول الشريعة، تحقيق: محمد عبدالله دراز، بيروت: دار المعرفة للطباعة و النشر.
٨. _____ (١٤٢٥ق)، الاعتصام، بيروت: دار المعرفة للطباعة و النشر.
٩. شحور، محمد (٢٥٥٥م)، فقه المرأة نحو اصول الجديده للفقهاء الاسلامي، دمشق: الاهالي للطباعة و النشر و التوزيع.
١٥. _____ (١٩٩٥م)، الكتاب و القرآن قراءة معاصرة، دمشق: دار الطباعة و النشر و التوزيع.
١١. طباطبائي، سيد محمد حسين (١٤١٧ق)، الميزان في تفسير القرآن، قم: نشر اسماعيليان - دار الكتاب الاسلاميه.
١٢. طاهر حداد، محمد، (٢٥١١م)، امرأتنا في الشريعة و المجتمع، بيروت: دار الكتاب اللبناني.
١٣. طعان، احمد ادريس (١٤٢٨ق)، العلمانيون و القرآن الكريم، رياض: دار ابن حزم.
١٤. عبده، محمد و رشيد رضا، محمد (١٩٩٥م)، الاعمال الكامله، قاهره: مكتبه المناره الازهرية - دار الشروق.
١٥. _____ (١٤١٤ق)، المنار، بي جا: نشر الهيئه المصريه العامه للكتاب.
١٦. غزالي، محمد بن محمد (١٤١٣ق)، المستصفى في علم الأصول، بيروت: دار الكتب العلميه.
١٧. فاسي، علال (١٩٧٩م)، مقاصد الشريعة الاسلاميه و مكارمها، رباط: مطبعه الرساله.
١٨. فخر رازي، محمد (١٤٢٥ق)، تفسير كبير (مفاتيح الغيب)، بيروت: مكتب دار احياء التراث العربى.
١٩. قاسم امين، محمد (٢٥١٢م)، تحرير المراه، قاهره: مؤسسه هنداوى.
٢٥. قرافي، احمد بن ادريس (١٤٢١ق)، انوار الفروق في انواء الفروق، قاهره: مركز الدراسات الفقهيه و الاقتصاديه.
٢١. كيلاني، عبدالرحمن ابراهيم (٢٥٥٥م)، قواعد المقاصد عند الامام الشاطبي، دمشق: دار الفكر.
٢٢. محمدى رى شهرى، محمد (١٤١٩ق)، ميزان الحكمه، قم: مؤسسه دار الحديث.
٢٣. مهرىزى، مهدى (١٤٢٦ق)، مجله رساله التقريب، ش ٤٨، ص ١٢٣-١٥٤.
٢٤. واحدى، على بن احمد (١٤١١ق)، اسباب النزول القرآن، بيروت: دار الكتاب العالميه، منشورات محمد على بيضون.